

حجاریان، از رای من کو تا پول من کو؟

بینوایان عنوان مقاله‌ای بود بمنظور کالبدشکافی رفتار بدنه اجتماعی شهرآشوبان در سال ۸۸ که در مهر ۹۱ تحریر و در بخشی از آن با توسل به «کمپلکس رُسانتیمان» برون‌ریخت رفتار پرخاشگرانه و تخریبگرانه آشوبیان ذیل جنبش «رای من کو» را گمانه‌زنی کردم. در بخشی از آن مقاله با تفکیک و تصریح بر زیستمانی مبتنی بر «خوشزیستی» در نقطه مقابل زیستمان معطوف بر «بهزیستی» متذکر این نکته شدم:

تامین و تحقق یک زیست سرخوشانه در کنار حداقلی از توانائی شخصیتی، تمکن و تمول و بنیه اقتصادی را نیز می‌طلبد. طبعاً در فقد توانائی جهت مرتفع کردن چنان حوائجی «ناتوانان» با ابتلا به نوعی «رُسانتیمان» مستعد و مترصد نخستین بزنگاه بمنظور تخلیه خود از تراکم و انباشت آن مطالبات ذاتی و ارضاء نشده از طریق رفتارهای نامتعارف و پرخاشگرانه و انفجاری‌اند.

به تعبیر دکتر آشوری، انسان روسانتیمان (Ressentiment) قائل و انباشته از یک «دشمن فرضی» است و در ناخودآگاهش با اتکای بر آن «دشمن فرضی» دست به یک مقصرسازی بیرونی جهت یابش ناکامی‌های خود زده و از این طریق احساس ضعف و حقارت و حسادت خود را از طریق حمله به آن «دشمن مفروض» به تشفی خاطر می‌رساند. (۱)

بدین منوال آشوب ۸۸ و شعار تقلب نیز اسم رمز انگیزته‌های کسر وسیعی از معترضین بود تا با توسل به غائله «رای من کو؟» جمیع ناکامی‌ها و ناتوانی‌ها و ناقوارگی‌های انباشته خود با نظم و نظام مستقر را بصورتی پرخاشجویانه و تخریبگرانه، نشئه درمانی کنند.

اینک و ۶ سال بعد از انتشار «بینوایان» #سعید_حجاریان در جدیدترین مکتوب سیاسی‌اش ضمن تقبیح خیزش «فقیران علیه اغنیا» کوشیده با توسل به همان «کمپلکس رُسانتیمان» تضاد و چالش زیرپوستی و رو به رشد جامعه را در فورمت تضاد آشتی‌ناپذیر و خشونت طلب «فرودستان علیه فرادستان» تئوریزاسازی کند!

به تعبیر حجاریان رُسانتیمان نوعی کینه‌توزی توأم با مقصرتراشی است که منشاء آن حسرت و اندوه و حرمان است.

حجاریان با عاریت گرفتن واژه رسانتیمان از دکتر آشوری، مخالفت با غربزدگی در شرق را یک بیماری اطلاق کرده که در نهایت موجبات سربازگیری فاشیست‌ها از میانه فالانژها و لمپن پورلتاریا و

چماق‌داران علیه اغنیائی را فراهم می‌کند که در چشم فقرا مقصران اصلی فلاکت و استیصال اقتصادی طبقات فرو دست محسوب می‌شوند. جاریان از این طریق مخاطب را تخویف کرده و اظهار داشته: جناح رقیب با کوبیدن بر طبل «پابرهنگان علیه ثروتمندان» در صدد دو شقه کردن کشور است و در واقع، اساس این ایده مبتنی بر قرار دادن دو جنبش علیه یکدیگر است؛ در جنبش «پابرهنگان علیه ثروتمندان»، به صورت کور خواست اقتصادی و معیشتی پی گرفته می‌شود و در جنبش‌هایی از جنس دوم خرداد و جنبش سبز، به صورت هدفمند خواست سیاسی و دموکراسی دنبال می‌شود. چنانچه این دو جنبش در مقابل یکدیگر صف آرایی کنند، دموکراسی و سیاست و طبقه متوسط و متوسط به بالا جملگی بلعیده می‌شوند و جنوب تا شمال تهران، یک دست انقلابی می‌شود ... و در این مسیر به نام، عدالت خواهی، عدالت ذبح شده و به نام انقلابی‌گری، دستاوردهای انقلاب نابود خواهد شد. (۲)

تئوری‌سازی جاریان هر چند بدیع نیست اما قدیم است و همین کمپلکس رسانتیمان بود که در ۸۸ توسط رهبران معترضین با کوبیدن بر طبل «فرزانگان و رجالگان» و ترویج آپارات‌اید آرای شهری - روستائی اقبال یافت تا انتخابات ۸۸ را به عرصه جنگ آرای «خویش بیش‌بینان» در مقابل آرای «سفیهان و سفله انگاشته‌گان» مبدل کرده و عرصه منافع ملی کشور را به آوردگاهی جهت تخلیه کمپلکس بی‌قوارگان با قواره جمهوری اسلامی، مبدل نمایند!

#داریوش سجادی

۱- مقاله بینوایان:

<https://bit.ly/2JF00q8>

۲- جاریان - مقاله آخرین راه راست

<https://bit.ly/2QKARYl>